



درآمدی بر ضرورت وحدت و همگرایی در جهان اسلام با تأکید بر اندیشه امام خمینی علیه السلام

رضا لکزایی^(۱)

چکیده

از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، همگرایی، از اهداف بزرگ دین، ابزار پیشبرد اهداف دیگر و عنصر کلیدی تشکیل جامعه‌ی فاضله است که در ایجاد و استقرار عدالت نقش محوری دارد. راهکارهای امام خمینی علیه السلام برای ایجاد، تثبیت و گسترش همگرایی در جهان اسلام، پرسش اصلی این مقاله است. پاسخ، براساس چارچوب نظری «امهات مطالب یا اس‌المطالب» و نظریه‌ی سه لایه‌ای بودن دین، با روش اکتشافی - استقرایی ارائه شده است. از نظر امام خمینی علیه السلام، تحقق برادری در سه سطح باورها، اخلاق و رفتار در سطح جهان اسلام و گام دوم، که بیشتر مرتبط با سطح سوم، یعنی سطح رفتار است، مبارزه با قدرت‌های مستکبر و ظالم است. این دیدگاه مبتنی بر سیره‌ی انبیای الهی علیهم السلام، اهل بیت علیهم السلام و آموزه‌های قرآن کریم است که در «نپذیرفتن ولایت یهود و نصارا»، «دوری از نزاع»، «اخوت ایمانی»، «اعتصام به حب‌الله»، «کنار گذاشتن ترس و واهمه»، «همبستگی برادروار» و «مبارزه با ظلم و ظالم» تجلی می‌یابد. اعلام برائت از مشرکین در اجتماع ایمانی حج ابراهیمی علیهم السلام، الهام گرفتن از عاشورا، پیروی از منجی موعود علیه السلام، بخش‌هایی دیگر از کارایی دیدگاه امام خمینی علیه السلام را نشان می‌دهد که در این مقاله از آنها بحث شده است.

واژگان کلیدی: امام خمینی علیه السلام، همگرایی، برادری، جهان اسلام، مبارزه با ظلم و ظالم

۱. پژوهشگر همکار پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی؛ rlakzaee@gmail.com

۱. مقدمه

امام خمینی علیه السلام «همزیستی مسالمت‌آمیز در جهان» را در کنار «رسیدن انسان‌ها به کمال و سعادت اخروی»، «غایت تعلیمات اسلامی» برمی‌شمارند. (امام خمینی علیه السلام، ج ۱۸: ۹۵) بنابراین، افقی که امام خمینی علیه السلام حداقل یکی از اهداف آموزه‌های اسلام معرفی می‌نمایند، بر همزیستی مسالمت‌آمیز، دور از خشونت و مبتنی بر همگرایی در جهان تأکید می‌ورزد و روشن است که همگرایی، محدود به جهان اسلام نیست و به تعامل مسلمانان و غیرمسلمانان در جهان نظر دارد. با این حال، از آن جا که بحث مقاله درباره‌ی همگرایی در جهان اسلام است (برای مطالعه‌ی مفهوم جهان اسلام و موقعیت جغرافیایی آن ر. ک: رجاء، ۱۳۹۰: ۳۱ - ۴۴؛ آذین و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۸۹) مسئله‌ی اصلی ما در این مقاله، این پرسش است که راهکارهای امام خمینی علیه السلام برای ایجاد، تثبیت و گسترش همگرایی در جهان اسلام چیست.

چارچوب نظری حاکم بر مقاله، مبتنی بر چارچوب «امهات مطالب یا اس‌المطالب» منطقیون است: أس المطالب ثلاثة علم: مطلب ما، مطلب هل، مطلب لم. (سبزواری، ۱۳۶۹: ۱۸۳)

براساس این چارچوب، باید به چند پرسش پاسخ داد؛ چیستی (ما)، چرایی (لم)، چگونه (هل). همگرایی و انواع آن چیست؟ همگرایی چه ضرورتی دارد؟ چگونه می‌توان در جهان اسلام همگرایی ایجاد کرد؟ (ر. ک: حیدری‌فر، ۱۳۸۸)

۲. مفهوم‌شناسی

همگرایی، تبیینی برای برخی فرایندها در روابط بین‌الملل و نسخه‌ای برای برطرف ساختن ستیزهای جهانی و منطقه‌ای است. (گریفیتس، ۱۳۸۸: ۱۱۰۰) همگرایی در علوم سیاسی عبارت است از فرایندی که در آن، دولت‌ها یا واحدهای سیاسی برای دستیابی به اهداف مشترکشان، داوطلبانه و آگاهانه، بخشی از حاکمیت و اقتدار عالی خود را به مرکزی فراملی واگذار می‌کنند؛ به عبارتی دیگر، همگرایی، بیانگر شرایطی است که در آن، سازمان‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و دستگاه‌های ارتباطی واحدهای گوناگون، با حذف

عوامل اختلاف برانگیز و تعصبات ملی گرایانه، به سود اهداف جمعی و منافع مشترک، به حدی به هم نزدیک می شود که نظام جدیدی از روابط، جایگزین نظام پیشین می گردد. (ولایتی و سعید محمدی، ۱۳۸۹: ۱۵۳)

«در متون مربوط به همگرایی، تأکید بر همگرایی، به منزله‌ی فرایندی اختیاری و آزاد بوده است. البته همگرایی اجبارآمیز، تاریخچه‌ای طولانی دارد و هنوز نیز به صورت گسترده اعمال می شود؛» (همان) بنابراین، همگرایی، مفهوم و در واقع تجویز در حوزه‌ی روابط بین الملل است که دولت‌ها یا ملت‌ها باید تصمیم بگیرند که به سمت آن بروند یا نروند. البته برخی در این مسیر، از قوه‌ی قهریه نیز استفاده می کنند.

تا جایی که نگارنده جست و جو نموده است، امام خمینی علیه السلام از واژه‌ی «همگرایی» استفاده نکرده‌اند و تعبیری مانند تفاهم، وحدت کلمه، امت اسلامی، همسویی و همکاری، متحد، اتحاد، اتفاق، مسلمانان جهان، مجتمع، تشریک مساعی، اعتصام بحبل الله، جهان اسلام، ممالک اسلامی و...، به ویژه برادری و اخوت اسلامی را به کار برده‌اند. (ر. ک: فولادی، ۱۳۸۷) امام خمینی علیه السلام بر واژه‌ی قرآنی «برادری» تأکید زیادی دارند، به گونه‌ای که می توان گفت فلسفه‌ی سیاسی ایشان، مبتنی بر برادری است، (لکزایی، ۱۳۹۴: ۱۵۸ - ۱۵۹) زیرا «اخوت، از احکام سیاسی‌هی الهیه است برای اجرای مقاصد اسلامیه». (شاه‌آبادی، ۱۳۸۶: ۷۲) که همگرایی، یکی از آن مقاصد است. در این زمینه، سخنان امام خمینی علیه السلام پرشمار است که برای رعایت اختصار، به یک مورد آن اشاره می کنیم:

مُسلم که نمی تواند به مُسلم دیگر ضرر بزند. مُسلم، برادر مُسلم است: إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ. (حجرات: ۱۰) قرآن کریم، عقْدِ اخْوَتِ بَيْنَ مُسْلِمَانِهَا انداخته است، برادر که به برادر ضرر نمی زند. (امام خمینی علیه السلام، ج ۱۰: ۲۴۹).

امام خمینی علیه السلام ضمن استناد به آیه‌ی کریمه سوره‌ی حجرات، به جهان اسلام - در دوران دفاع مقدس - چنین تنبیه می دهند:

بر کدام مملکت اسلامی پوشیده است این معنا که صدام به ما بغی کرده است و طغیان کرده است و ظلم کرده است و هجوم کرده است؟ (امام خمینی علیه السلام، ج ۱۳: ۲۷۶) قرآن شریف دستور داده است که اگر یک طایفه‌ای از مسلمین بر طایفه

دیگر بغی کردند و تعدی کردند، بر همه‌ی مسلمین واجب است که بر ضد او قیام

کنند؛ فضلاً، از این که غیر مسلم بغی کند بر مسلم. (همان: ۳۴۰)

معنای این آیه، مورد اتفاق مفسرین سنی و شیعه است؛ مثلاً «فخر رازی» می‌نویسد مراد از باغی در این آیه، همان ظالم است. ظالم می‌تواند شهروند عادی یا دارای مسئولیت باشد. در هر صورت یاری مظلوم و دفع ظالم بر مسلمین واجب است. (فخر رازی، ج ۲۸: ۱۰۴)

براساس این، امام خمینی علیه السلام می‌گویند اگر عراق در خاک ماست، بنا بر فرمایش قرآن کریم متجاوز است و باید با او مبارزه کنید. ما از مبارزه‌ی مسلحانه شما گذشتیم و امیدی به انجام این کار از طرف شما نداریم. پس حداقل صدام را محکوم کنید و اگر این کار را هم انجام نمی‌دهید، لااقل بی طرف باشید. (امام خمینی علیه السلام، ج ۱۶: ۱۰۷-۱۰۸).

امام علیه السلام وحدت [و به تعبیری همگرایی] را از سنخ رحمت و محصول مقدماتی می‌دانستند که بدون آن به دست نخواهد آمد. (سیداحمد خمینی، ۱۳۷۳: ۸) امام علیه السلام در کتاب شرح چهل حدیث، که برای استفاده‌ی عموم نوشته شده است، در بیانی تاریخی و اخلاقی درباره‌ی معنا و ماهیت وحدت اظهار می‌دارند:

یکی از مقاصد بزرگ شرایع و انبیای عظام علیهم السلام، که علاوه بر آن که خود، مقصود مستقل است، وسیله‌ی پیشرفت مقاصد بزرگ و دخیل تام در تشکیل مدینه‌ی فاضله می‌باشد، توحید کلمه و توحید عقیده است و اجتماع در مهمّ امور و جلوگیری از تعدیات ظالمانه‌ی ارباب تعدی است که مستلزم فساد بنی‌الانسان و خراب مدینه‌ی فاضله است و این مقصد بزرگ، که مصلح اجتماعی و فردی است، انجام نگیرد، مگر در سایه‌ی وحدت نفوس و اتحاد همم و الفت و اخوت و صداقت قلبی و صفای باطنی و ظاهری و افراد جامعه به طوری شوند که نوع بنی‌آدم تشکیل یک شخص دهند و جمعیت، به منزله‌ی یک شخص باشد و افراد به منزله باشد و تمام کوشش‌ها و سعی‌ها، حول یک مقصد بزرگ الهی و یک مهم عظیم عقلی، که صلاح جمعیت و فرد است، چرخ زند و اگر چنین مودت و اخوتی در بین یک نوع یا یک طایفه پیدا شد، غلبه کنند بر تمام طوایف و ملی که بر این طریقه نباشند... مسلمین مأمورند به دوستی و مواصت و نیکویی به یکدیگر و مودت و اخوت و معلوم است آنچه موجب ازدیاد این معانی شود، محبوب و مرغوب است و آنچه این عقد مواصت و اخوت را بگسلد و تفرقه در بین جمعیت

ندازد، مبعوض صاحب شرع و مخالف مقاصد بزرگ اوست. (۱۳۸۹: ۳۰۹ -

(۳۱۰)

طبق این دیدگاه، وحدت و همگرایی، از اهداف بزرگ دین، ابزار پیشبرد اهداف دیگر و عنصر کلیدی تشکیل جامعه‌ی فاضله است که در ایجاد و استقرار عدالت در جامعه نقش محوری دارد. هر چه سبب وحدت و همگرایی جوامع اسلامی شود، محبوب خداوند متعال است و آنچه موجب شکاف و واگرایی گردد، مبعوض خداوند متعال است.

بنابراین، جهان اسلام باید در عمل، به طرف همگرایی و به تعبیر دقیق‌تر، «برادری» و اعتصام بحبل‌الله حرکت کند و از قول و فعل تفرقه‌افکنانه بپرهیزد تا مشکلاتش حل شود.

۳. انواع همگرایی

بحث از انواع همگرایی، در ادامه‌ی مفهوم همگرایی و برای تبیین آن پی گرفته می‌شود. (برای مطالعه‌ی انواع نظریات همگرایی در عرصه‌ی بین‌الملل ر. ک: ولایتی و محمدی، ۱۳۸۹: ۱۵۵-۱۵۷) گفتیم که بحث همگرایی، مربوط به حوزه‌ی روابط بین‌الملل است؛ از این رو، لازم است انواع همگرایی را در روابط بین‌الملل بیان کنیم و سپس دیدگاه امام^ع را نشان دهیم. این بحث در دو بخش ارائه می‌شود: در بخش نخست، دیدگاه امام^ع ذیل مباحث رایج این بحث نشان داده و در بخش دوم، دیدگاه ایشان به طور مستقل، به اجمال تبیین می‌شود.

همگرایی را می‌توان به سه نوع اصلی تقسیم کرد که هر یک براساس هدفی که دارد، تعریف می‌شود: ۱. گونه‌ی نخست، همگرایی سرزمین‌های سابقاً جدا از هم و یکپارچگی‌شان در قالب یک دولت واحد است؛ ۲. نوع دوم، همگرایی منطقه‌ای است که در آن هدف، تقویت همکاری دولت‌های منطقه است؛ ۳. نوع سوم، به همگرایی در چارچوب هنجارهای مسلط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جهان اشاره می‌نماید و نیز با بسیاری از مفاهیم ملازم با جهانی شدن همپوشی دارد. این شکل همگرایی را بیشتر «غرب‌زدگی» می‌نامند. (گریفیتس، ۱۳۸۸: ۱۱۰۰، با تلخیص)

اگر بخواهیم دیدگاه امام^ع را براساس این طبقه‌بندی مشخص کنیم، باید بگوییم که دیدگاه ایشان در نوع دوم همگرایی، یعنی همگرایی منطقه‌ای قرار دارد، زیرا امام خمینی^ع در



پاسخ پرسش خبرنگاری که پرسید: آیا شما خواستار تأسیس و تشکیل فدراسیونی از دولت‌های اسلامی در منطقه هستید؟، خیلی کوتاه پاسخ مثبت دادند: در صورتی که مقتضی باشد، امکان دارد. (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۵: ج ۵: ۱۴۲) ایشان درباره‌ی شکل‌گیری و تقویت برادری و همگرایی و برطرف ساختن ستیزهای جهانی و منطقه‌ای تصریح کردند: دولت‌های اسلامی باید به منزله‌ی یک دولت باشند؛ کأنه یک جامعه هستند. (همان، ج ۷: ۱۹۹)

بنابراین، امام خمینی علیه السلام به کم‌رنگ ساختن مرزها نمی‌اندیشند و سیاست همگرایی با محو مرزها (دیدگاه نخست) را دنبال نمی‌کنند و در جمله‌ای کوتاه ولی بسیار مهم می‌فرماید که برادران «مرزها را اسباب جدایی قلب‌ها ندانند. مرزها جدا، قلب‌ها با هم». (همان، ج ۱۱: ۱۰۵)

البته این سخن امام خمینی علیه السلام به معنای تأیید حکومت‌های مسلمانان نیست، بلکه بر عکس، ایشان بر این باور بودند که از سویی، «مشکل مسلمین، حکومت‌های مسلمین است.» (همان، ج ۱۳: ۸۳) و از سوی دیگر، «بزرگ‌ترین منکر، غلبه‌ی اجانب بر ماست.» (همان، ج ۷: ۱۸۷) به همین دلیل، امام خمینی علیه السلام برادری و مبارزه با ظلم را پیش روی ملل مسلمان می‌گذارند؛ همان راهی که ایران رفت:

شما دیدید که ما وقتی که در ایران ملتمان اتحاد پیدا کرد، چه قدرت بزرگی را شکست داد. ما می‌خواهیم که یک میلیارد جمعیت دنیا از مسلمین، این طور با هم متحد بشوند. اگر متحد بشوند، نه قضیه‌ی قدس دیگر باقی می‌ماند و نه قضیه‌ی افغانستان و نه قضایای دیگر و اگر وعاظ‌السلطین بگذارند و اتحاد ما را به هم نزنند، ان‌شاءالله، پیروز خواهیم شد و دول اسلامی و ممالک اسلامی پیروز خواهند شد. (همان، ج ۱۳: ۹۸)

از آن جا که امام خمینی علیه السلام فیلسوف سیاسی و صاحب مکتب بودند، در ادامه، انواع همگرایی را در مکتب سیاسی ایشان به اختصار تبیین می‌کنیم؛ به نظر می‌رسد برای تبیین انواع همگرایی، باید انواع سیاست را از دیدگاه امام علیه السلام بازشناخت، زیرا انواع همگرایی، از انواع سیاست زاده می‌شود. امام علیه السلام سیاست را به روابط حاکم و ملت و روابطی تعریف می‌کنند که حاکم با حکومت‌های دیگر، برای جلوگیری از مفاسد دارد. (همان، ج ۳: ۲۲۸)



ایشان در جایی دیگر، با تفصیلی بیشتر درباره‌ی ماهیت سیاست، به معرفی سیاستمداران و اقسام سیاست و سیاست مطلوب اسلامی می‌پردازند (همان، ج ۱۳: ۴۳۲-۴۳۳) و در آن جا، سیاست را به دو نوع و نوع دوم را به دو بخش تقسیم می‌کنند:

۱. سیاست الهی: این نوع سیاست، ویژه‌ی انبیاء علیهم‌السلام، اولیا و به تبع آنها، علمای بیدار اسلام است و دیگران از عهده‌ی آن برنمی‌آیند. این سیاست، سعادت همه‌ی ابعاد انسان و جامعه را در دنیا و آخرت تأمین می‌نماید.

۲. سیاست غیرالهی: این نوع سیاست، که به دو بخش انسانی و شیطانی تقسیم می‌شود، امت را در یک بُعد هدایت می‌کند و به سعادت می‌رساند و آن، بُعد مادی است. روشن است که تعداد اعضا، امری اقتضایی است و می‌توان آن را افزایش یا کاهش داد و تأثیری در اصل این طبقه‌بندی ندارد.

بر این مبنا، می‌توان از سه نوع همگرایی یاد کرد:

یکم. همگرایی الهی متعالی: این همگرایی، در صراط مستقیم و زمین اعتقاد الهی ریشه دوانده و از سرچشمه‌ی وحی الهی آب نوشیده و مبتنی بر «حبل‌الله» است. «خدای تبارک و تعالی امر فرموده است: *وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ*»، ولی اجتماع با تشبث به حبل‌الله. هر اجتماعی مطلوب نیست؛ «*وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ*» مطلوب است. همان است که «*أَفْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ*». اسم رب، ریسمانی است که همه به آن باید اعتصام کنند. (همان، ج ۸: ۳۳۴)

دوم. همگرایی متعارف انسانی: هدف این همگرایی، سر و سامان دادن به دنیا و اداره‌ی بهتر امور مادی بشر است و در واقع، فقط عنصر اعتصام در آن وجود دارد، ولی از عنصر حبل‌الله بی‌بهره و غیرالهی است. این همگرایی، از تفرقه و تشتت بهتر و دارای فایده است، ولی از مصادیق اعتصام بحبل‌الله به شمار نمی‌رود.

سوم. همگرایی متدانی شیطانی: در این نوع همگرایی، آرمان و هدف، مقابله و مبارزه با اعتصام الهی و از هم گسیختن حبل‌الله است که مصداق بارز آن، شیطان بزرگ، امریکاست.

همگرایی در نوع متعالی، مبتنی بر راهبرد برادری است و پیوندی که ایجاد می‌کند، ارگانیکی و طبیعی و با انگیزه‌های الهی است و در نتیجه، موجب اتحاد پیکروار جهان اسلام

می‌شود، ولی اگر فقط منافع افراد یا کشورها را به هم وصل کرد، از نوع متعارف یا متدانی است و از مصداق کریمه‌ی «تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى» (حشر: ۱۴) برشمرده می‌شود.

بنابراین، همگرایی ارزشمند، همگرایی «لِلَّهِ» است و هنگامی که این نوع همگرایی بین افراد ملتی شکل بگیرد و آنان میثاق برادری با یکدیگر ببندند، پیروزی محقق می‌شود.

۴. ضرورت همگرایی

ضرورت همگرایی در جهان اسلام چیست؟ به این پرسش، دست کم می‌توان از سه دیدگاه پاسخ داد: ۱. از دیدگاه آموزه‌های قرآنی؛ ۲. از دیدگاه آموزه‌های روایی و حدیثی؛ ۳. از دیدگاه آموزه‌های عقلایی.

۱-۴. از دیدگاه آموزه‌های قرآنی

آیات بسیاری از دیدگاه قرآن کریم درباره‌ی ضرورت وحدت و همگرایی و پرهیز از نزاع و درگیری وجود دارد. (پورفرد: ۱۳۹۲) در ادامه، به اختصار، به برخی از آنها اشاره می‌کنیم که مورد استناد امام خمینی علیه السلام قرار گرفته است.

۱. آیه منع نزاع

خداوند متعال در این آیه‌ی شریفه می‌فرماید:

«وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ». (انفال: ۴۶)

امام خمینی علیه السلام در توضیح این آیه‌ی کریمه می‌گویند تنازع به هر شیوه‌ای که باشد، ممنوع است. نزاع و درگیری، سستی می‌آورد و رنگ و بوی انسان و ملت را از بین می‌برد. از دیدگاه ایشان، کسانی که کوشش می‌کنند تفرقه بیندازند و تنازع ایجاد کنند و در عین حال، ادعای اسلام هم می‌کنند، شناخت واقعی از اسلام ندارند و اسلامی را، که قرآن، کتابش و کعبه، قبله‌اش است، نیافته و به آن ایمان نیاورده‌اند؛ بنابراین، باید همه به دستور اسلام و قرآن کریم، با هم متحد باشند و تنازع نکنند. (امام خمینی علیه السلام، ج ۱۳: ۱۵۳)

۲. آیه اخوت

خداوند متعال در این آیه‌ی شریفه می‌فرماید:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ».

(حجرات: ۱۰)

امام خمینی علیه السلام تصریح می‌دارند که این آیه، حکم اخلاقی است که البته در آن، حکم اجتماعی هم مطرح شده است و افزون بر این، جهات سیاسی نیز دارد. (امام خمینی علیه السلام،

ج ۱۳: ۱۳۲)

«آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی»، استاد بزرگوار امام خمینی علیه السلام هم راهبرد برادری را

حکمی سیاسی می‌دانست که در اجرای اهداف اسلام نقشی کلیدی دارد و معتقد بود:

اخوت، از احکام سیاسی‌هی الهیه است برای اجرای مقاصد اسلامیه. (آیت‌الله

شاه‌آبادی، ۱۳۸۶: ۷۲)

امام خمینی علیه السلام راه حل مشکلات جهان اسلام را هم عمل به همین آیه می‌دانند و بیان

می‌کنند: ما باید بیدار باشیم و بدانیم که این حکم الهی، یک حکم سیاسی است که اگر ملت‌های مُسلم، که تقریباً یک میلیارد جمعیت هستند، با هم برادر باشند و برادرانه و با نظر محبت و دوستانه با هم رفتار کنند، هیچ یک از ابرقدرت‌ها نمی‌تواند به آنها تجاوز کند.

(امام خمینی علیه السلام، ج ۱۳: ۱۳۴-۱۳۱)

امام خمینی علیه السلام در این زمینه، انقلاب کبیر اسلامی ایران را مثال می‌زنند و ابراز می‌نمایند:

همان طور که ملاحظه کردید، وقتی ملت ایران با هم متحد شدند و برادروار با هم و در کنار هم بودند و به برادری اسلامی خود توجه داشتند، قدرت‌های بزرگ نتوانستند در مقابل آنها

مقاومت کنند. (همان، ۱۳۲؛ برای مطالعه بیشتر ر. ک: حقی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۴۴)

بنابراین، عمل کردن به همین آیه، سبب ایجاد و تقویت و گسترش همدلی، همگرایی،

محبت و صمیمیت در جهان اسلام می‌شود؛ به دیگر سخن، وقتی در جهان اسلام نگاه

برادرانه حکم‌فرما باشد، جهان اسلام به «مملکت محمدی علیه السلام» (امام خمینی علیه السلام، ج ۶: ۲۷۵)

تبدیل می‌گردد و در نتیجه، سبب می‌شود بیگانگان نتوانند تفرقه ایجاد کنند و بر کشورهای مسلمانان سلطه داشته باشند، زیرا «اثر جدایی افکندن بین برادرها، سلطه‌ی اجانب است».

(همان، ج ۱۳: ۱۵۳)



۱. آیه اعتصام

خداوند متعال در این آیه‌ی شریفه می‌فرماید:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا». (آل عمران: ۱۰۳)

فرمان حق تعالی در این آیه‌ی کریمه، اعتصام به حبل‌الله است و ملت‌ها و دولت‌ها اگر بخواهند به پیروزی و به همه‌ی ابعاد هدف‌های اسلامی برسند، که سعادت بشر است، باید اعتصام به حبل‌الله داشته باشند، از اختلافات و تفرقه بپرهیزند و فرمان حق تعالی را اطاعت نمایند. (امام خمینی ره، ج ۷: ۱۷۰)

براساس آموزه‌های الهی این آیه‌ی کریمه، امام خمینی ره هر اجتماعی را مطلوب نمی‌دانند، بلکه اجتماعی را مطلوب برمی‌شمارند که بر محور حبل‌الله شکل بگیرد:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ» مطلوب است. همان است که «أَقْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ». اسم رب، همان ریسمانی است که همه به آن باید اعتصام کنند. مردم را دعوت کنید به وحدت. دعوت کنید به این که گروه گروه نشوند. (امام خمینی ره، ج ۸: ۳۳۴)

بنابراین، اگر وحدتی براساس هواهای نفسانی و فقط و فقط بر مبنای خواسته‌های مادی و دنیوی محدود شکل بگیرد، نمی‌توان آن را از مصادیق اعتصام بحبل‌الله شمرد.

۲. آیه رحمت

خداوند متعال در این آیه‌ی شریفه می‌فرماید:

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ». (فتح: ۲۹)

امام خمینی ره براساس این آیه‌ی شریفه معتقدند:

همه تحت لوای اسلام و قرآن مجید مجتمع بشوند، زیرا آن طور که قرآن دستور داده است، «رُحَمَاءُ» بینهم و «اشدءاء» بر کفار باشد. در اسلام اساساً نژاد مطرح نیست، عربی و عجمی و سایر گروه‌ها ابداً مطرح نیست. (امام خمینی ره، ج ۹: ۲۷۳)

بر این مبنای، برخورد قاطع با دشمنان اسلام و همگرایی و بلکه ابراز رحمت و محبت، صرف نظر از موقعیت نژادی و تفاوت زبانی و مکان جغرافیایی، وظیفه‌ی جهان اسلام است که قرآن بر دوش جهان اسلام گذاشته است.

۳. آیه نپذیرفتن ولایت یهود و نصارا

خداوند متعال در این آیه‌ی شریفه می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾. (مانده: ۵۱)

به نظر می‌رسد براساس این آیه، اتخاذ دشمن مشترک، محور همگرایی جهان اسلام در نظر گرفته شده است. امام خمینی علیه السلام این پرسش را مطرح می‌کنند که چرا با این که در جهان اسلام این قدر مخازن، زمین‌های زیاد و بلکه همه چیز داریم، باید تحت سلطه‌ی دو ابرقدرت باشیم؟ پاسخ قرآنی امام خمینی علیه السلام این است که حکومت‌های جهان اسلام بر خلاف سفارش قرآن، یهود و نصارا را دوست انتخاب کرده‌اند. چند نکته در این جا وجود دارد: ۱. امام خمینی علیه السلام یهود و نصارا را به سرکش و غیرسرکش تقسیم می‌کنند و منظور از یهود و نصارا در این آیه را یهود و نصارای سرکش [و ظالم] می‌دانند و نه همه‌ی یهود و نصارا را؛ ۲. امام خمینی علیه السلام معتقدند حاکمان جهان اسلام نه فقط دوستی حکام یهودی و مسیحی مانند امریکا و رژیم غاصب اسرائیل را پذیرفته‌اند، که نوکری آنها را هم قبول کرده‌اند و دلیل این نقص بزرگ را اختلاف و تفرقه مسلمانان می‌دانند؛ (امام خمینی علیه السلام، ج ۱۵: ۴۵۶ - ۴۵۵) ۳. امام خمینی علیه السلام براساس همین آیه، از دو مدل اسلام نام می‌برند و در واقع، جهان اسلام و حکام جهان اسلام را براساس این آیه‌ی کریمه، به دو دسته تقسیم می‌کنند. خبرنگار تلویزیون سی. بی. اس امریکا از امام خمینی علیه السلام پرسید:

آقای سادات، رئیس جمهور مصر، که مرد بسیار مذهبی و مسلمان است، گفتند که- با عرض معذرت از جسارت که گفته‌ی ایشان نیست- شما آبروی اسلام را می‌برید. در واقع، ایشان جسارتش را به حدی رسانده بود که امام علیه السلام را دیوانه توصیف کرد. ممکن است استدعا بکنم که حضرت‌عالی نظرتان را در مورد اظهارات آقای سادات بفرمایید؟

و ایشان پاسخ دادند:

اسلامی که پیش انور سادات هست، غیر از اسلامی است که پیش مسلمین هست. اسلام انور سادات، با مخالفت نص قرآن می‌سازد. قرآن کریم نصّ هست که با دشمن‌های اسلام دوستی نکنید و ایشان با کارتر و بگین دوستی



کردند، برخلاف مسلمین. معلوم می‌شود که الفاظ در نظر شما هم معانی دیگری پیدا کرده است که او را مذهبی متعهد به اسلام می‌دانید و او را مسلم صحیح می‌دانید. در قرآن کریم هست کسانی که با دشمن‌های اسلام دوستی می‌کنند، اینها مسلم نیستند.^(۱) آقای سادات ادعای اسلام می‌کند. لکن با دشمن‌های اسلام، به مسلمین حمله می‌کند. آقای سادات می‌داند که در جنوب لبنان از دست اسرائیل چه می‌گذرد و بر فلسطین از دست این جانی چه می‌گذرد و او با او دوستی می‌کند و باز خودش را مُسلم می‌داند. کارهای ایشان را باید با معیارهای اسلامی سنجید تا ببینیم که آیا آبروی اسلام را ایشان حفظ کردند و کارهای ملت ما را باید با معیارهای اسلامی سنجید تا ببینیم به اسلام خیانت کردند، آبروی اسلام را بردند. کارهای آقای سادات همین‌هاست که گفتیم و امثال اینها. حتی ملت خودش هم با او موافق نیستند و مسلمین هم او را محکوم کردند... آیا آقای سادات قیام برای حفظ استقلال، قیام برای حفظ اسلام، قیام برای تحقق جمهوری اسلامی را برخلاف اسلام می‌دانند؟! و آبروی اسلام را در خطر می‌دانند که ملتی جباران را از بین ببرد و رژیم شاهنشاهی را از بین ببرد و رژیم جمهوری اسلامی برقرار کند؟! آیا این آبروی اسلام را از بین می‌برد؟! (صحیفه امام علیه السلام، ج ۱: ۷۸-۷۹)

بنابراین، اگر مسلمانان و حکومت‌های جهان اسلام در انتخاب دوست و دشمن دقت و به تعالیم قرآن توجه و عمل کنند، دوست و بلکه تابع و خادم بیگانگان نمی‌شوند و برای مقابله با دشمن مشترک اسلام اصیل و عقلانی در صف واحد قرار می‌گیرند.

۲-۴. از دیدگاه معصومان علیهم‌السلام

در سیره و سنت معصومان علیهم‌السلام، گفتارها و رفتارهای بسیاری درباره‌ی ضرورت وحدت و همگرایی و پرهیز از تفرقه و واگرایی وجود دارد که در ادامه، به اختصار، به برخی از آنها اشاره می‌کنیم که مورد استناد امام خمینی علیه السلام قرار گرفته است. هر یک از این موارد، نشان‌دهنده‌ی یکی از ویژگی‌ها و مختصات دیدگاهی است که می‌توان آن را نظریه‌ی

۱. ظاهراً به قرینه‌ی «وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ».



مقاومت نامید. از آن جا که اهل بیت علیهم السلام، همواره، مسلمانان را به پیوند با یکدیگر سفارش نموده‌اند، امام خمینی رحمته الله علیه معتقدند بر هم زدن وحدت مسلمانان، جاهلانه یا مغرضانه است: ائمه اطهار علیهم السلام سفارش کردند به ما که بپیوندید با هم و با هم اجتماعمان را حفظ کنیم و کسی که این اجتماع را بخواهد که به هم بزند، یا جاهل است و یا مغرض. (همان، ج ۶: ۸۴)

۱. عقد برادری؛ سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله

هنگامی که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه هجرت فرمودند و مسجدی بنا نمودند و آن را مرکز حکومت قرار دادند، بین مسلمانان مهاجر و انصار عقد اخوت ایجاد کردند تا نخستین بذرهای امت اسلامی در مزرعه‌ی عطوفت و برادری بروید، ببالد و به بار بنشیند. امام خمینی رحمته الله علیه در این زمینه می‌فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله بین مسلمین در صدر اول اسلام عقد اخوت اجرا فرمود و به نص «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰)، اخوت بین مؤمنان برقرار شد. (امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۸۹: ۳۱۱) بر این مبنا، عقد اخوت، یکی از سنت‌های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است که لازم است جهان اسلام و همه‌ی مسلمانان جهان در این سنت هم به آن حضرت اقتدا کنند.

روشن است که با عقد اخوت، به تنهایی برادری محقق نمی‌شود، بلکه باید به الزامات برادری هم پایبند بود. امام خمینی رحمته الله علیه در این زمینه هم به چند روایت استناد کردند که شاید بتوان آنها را برادری، همدلانه و مجدانه نامید که در ادامه، به آنها اشاره می‌کنیم.

۲. همگرایی موحدانه

امام خمینی رحمته الله علیه در کتاب شرح چهل حدیث می‌نویسند:

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: تواصلوا و تباروا و تراحموا و كونوا إخوة أبارا كما أمرکم الله عزوجل؛ با یکدیگر پیوند داشته باشید و خوش رفتاری و مهربانی نمایید و برادرانی نیکوکار باشید، همان گونه که خدای عز و جل فرماتان داده است. (کلینی، ۱۳۸۸: ج ۲: ۱۷۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲: ۲۱۶)

در این روایت، از امت اسلامی خواسته شده است که براساس دستور خداوند، به یکدیگر رحمت و محبت داشته باشند (فتح: ۲۹) و برادر هم باشند. (حجرات: ۱۰) عمل به این دستور الهی، که بیان‌کننده‌ی اعتقاد توحیدی مسلمانان است، از عوامل مهم ایجاد و تثبیت همگرایی در جهان اسلام به شمار می‌رود.

۳. همگرایی مجددانه

امام خمینی علیه السلام در کتاب شرح چهل حدیث می‌نویسند:

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «یحق علی المسلمین الاجتهاد فی التواصل و التعاون علی التعاطف و المواساه لأهل الحاحه و تعاطف بعضهم علی بعض حتی تكونوا كما أمرکم الله عز و جل رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ؛ شایسته است مسلمانان در پیوستن به یکدیگر و یاری کردن و محبت و مواسات با نیازمندان و مهربانی با هم بکوشند تا همچنان باشند که خداوند عز و جل از آنان خبر داده است به قول خویش که «مؤمنان با یکدیگر مهربان‌اند». (کلینی، ۱۳۸۸ق: ج ۲: ۱۷۵)

آنچه در این حدیث شریف بر آن تأکید داریم، واژه‌ی «الاجتهاد» است که نشان می‌دهد که جهان اسلام برای ایجاد و تثبیت همگرایی باید جد، جهد، تلاش و کوشش کند تا نیازها و مشکلات را برطرف سازد، نه آن که فقط به سخن گفتن بسنده نمایند یا برای برادرانشان چالش بیافرینند، بلکه باید جهان اسلام در مقام عمل، با جدیت، از همه‌ی ظرفیت‌ها و امکانات خود به منظور ایجاد همگرایی و تقویت اخوت بهره‌بردار.

۴. همگرایی همدلانه

امام خمینی علیه السلام در کتاب شرح چهل حدیث می‌نویسند:

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: اتقوا الله و كونوا إخوه برره متحابین فی الله متواصلین متراحمین؛ تراوروا و تلاقوا و تذاکروا أمرنا و أحیوه؛ تقوا بورزید و با یکدیگر همچون برادرانی خوش‌رفتار باشید؛ در راه خدا یاور یکدیگر باشید و به یکدیگر پیوندید و با هم دوستی نمایید. به دیدار یکدیگر بروید و در امر ما بحث کنید و آن را زنده نگه دارید. (کلینی، ۱۳۸۸ق: ج ۲: ۱۷۵)

گر چه ممکن است که ابتدا به نظر برسد که سفارش امام صادق علیه السلام ناظر به جهان تشیع است، ولی با توجه به سیره حضرت امام صادق علیه السلام و احادیث دیگر این باب، دلیلی برای این انحصار وجود ندارد، ضمن آن که بحث و مذاکره درباره‌ی علوم اهل بیت علیهم السلام بین همه‌ی مذاهب اسلامی امکان‌پذیر است.

۵. همگرایی مکلفانه

نباید پنداشت که در تفکر امام علیه السلام توصیه به همگرایی و همدلی، فقط جایگاه اخلاقی دارد و در حد موعظه و خواهش متوقف مانده است، زیرا از عبارات امام خمینی علیه السلام در بحث تقیه و استفتانات ایشان، وجوب تکلیفی عمل به تقیه‌ی مداراتی به دست می‌آید. بی‌شک، قول به وجوب این تقیه، نشان‌دهنده‌ی بعد فقهی همگرایی و انسجام مسلمانان در اندیشه‌ی ایشان است:

لا يتوقف جواز هذه التقية - بل وجوبها - على الخوف على نفسه أو غيره، بل الظاهر أن المصالح النوعية صارت سبباً لإيجاب التقية من المخالفين، فتجب التقية و كتمان السرّ ولو كان مأموناً و غير خائف على نفسه و غيره؛ جواز این تقیه (تقیه‌ی مداراتی) بلکه وجوب آن، متوقف بر خوف بر نفس یا غیر آن نیست، بلکه مصالح نوعیه سبب وجوب این تقیه نسبت به مخالفین گردیده است. پس این تقیه و کتمان سرّ واجب است، ولو ایمن باشد و بر نفسش یا غیر آن خوف نداشته باشد.
(بی‌تا: ۷۱)

در ادامه، یکی از روایاتی را ذکر می‌کنیم که مورد استناد امام خمینی علیه السلام قرار گرفته است:

إياكم أن تعملوا عملاً يعيروننا به فإنّ ولد السوء يعير والده بعمله كونوا لمن انقطعتم اليه زينا و لا تكونوا عليه شيئا صلّوا في عشائركم و عودوا مرضاهم و اشهدوا جنازتهم و لا يسبقونكم إلى شيء من الخير فأنتم أولى به منهم و الله ما عبد الله بشيء أحب إليه من الخبء قلت: و ما الخبء، قال: التقية. (كلميني، ۱۳۷۸: ج ۳: ۵۵۵)

دلالت روایت بر وجوب، به این تقریب است که تعبیر «صلّوا فی عشائركم»، امر به نماز خواندن با اهل سنت است و هیئت «افعل» (صیغه‌ی امر) براساس بعضی مبانی، می‌تواند



دلیل بر وجوب باشد. توضیح استدلال این است که بدون شک، صیغهی «افعل» بر مطلوبیت و محبوبیت فعل نزد شارع دلالت می‌کند؛ حال بحث در این است که آیا ظهور در وجوب یا استحباب یا جامع بین این دو دارد. از نظر مشهور، صیغهی «افعل» وضعاً بر وجوب دلالت می‌کند، ولی از نظر امام خمینی علیه السلام، صیغهی «افعل» وضعاً بر وجوب دلالت نمی‌کند، بلکه به حکم عقلا بر وجوب دلالت می‌نماید، به این دلیل که نزد عقلا، اطاعت امر لازم است تا زمانی که از جانب مولی ترخیص و جوازی وارد شود و لزوم اطاعت را بردارد، (امام خمینی علیه السلام، بی تا: ج ۱: ۲۵۶) یعنی عقلا صدور صیغهی «افعل» را حجت عقلایی می‌دانند و اطاعت از آن را لازم و مخالفت‌کننده با آن را مستحق عقاب برمی‌شمرند. براساس این مبنای امام خمینی علیه السلام، جمله‌ی «صلّوا فی عشائره‌م» در روایت هشام، بر وجوب نماز با عامه دلالت می‌کند، گر چه اوامر بعدی، یعنی «عودوا مرضاهم و اشهدوا جنازهم» به دلیل وجود قرینه، ظهور در وجوب ندارد و بر مشروعیت یا استحباب این موارد دلالت می‌کند، چون به مناسبت حکم و موضوع، احتمال وجوب عیادت بیماران و شرکت در تشییع جنازه‌ی آنها داده نمی‌شود، ولی نسبت به نماز با آنها احتمال وجوب داده می‌شود. (حیدری، ۱۳۹۶: ۵۳)

۶. همگرایی قدرت و قدرت همگرایی

امام خمینی علیه السلام براساس آموزه‌های روایی، بین همگرایی و قدرت، رابطه‌ای دوطرفه برقرار می‌کنند و بر این باورند که از سویی، وحدت و همگرایی سبب تولید قدرت و برقراری حکومت می‌شود و از سوی دیگر، قدرت و تشکیل حکومت هم موجب حفظ و تقویت همگرایی و وحدت می‌گردد؛ بنابراین، قدرت، وحدت‌آفرین است و وحدت، قدرت‌آفرین. سخن امام خمینی علیه السلام، که در آن به فرمایش حضرت زهراء علیها السلام استناد نموده‌اند، چنین است:

برای این که وحدت امت اسلام را تأمین کنیم، برای این که وطن اسلام را از تصرف و نفوذ استعمارگران دولت‌های دست‌نشانده‌ی آنها خارج و آزاد کنیم، راهی نداریم جز این که تشکیل حکومت بدهیم، چون به منظور تحقق وحدت و آزادی ملت‌های مسلمان بایستی حکومت‌های ظالم و دست‌نشانده را سرنگون کنیم و پس از آن، حکومت عادلانه‌ی اسلامی را، که در خدمت مردم است، به وجود

آوریم. تشکیل حکومت، برای حفظ نظام و وحدت مسلمین است، چنانکه حضرت زهرا علیها السلام در خطبه‌ی خود می‌فرماید که «وَ طَاعَتُنَا نِظَاماً لِّلْمَلِكِ وَ اِمَامَتُنَا لَمَّا لِّلْفُرْقَةِ». (کشف الغممه، ج ۱: ۴۸۳) امامت، برای حفظ نظام و تبدیل افتراق مسلمین به اتحاد است. (امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۹۰: ۳۷-۳۶)

براساس این، لازم است مسلمانان با الهام از آموزه‌های قرآنی و روایی، برای به دست گرفتن حکومت تلاش منسجم و متشکل خویش را سازمان‌دهی کنند تا شاهد برافراشته شدن کلمه‌ی حق در جهان شویم. امام خمینی رحمته الله علیه قیام ملت ایران را مثال می‌زنند و می‌فرمایند در انقلاب ایران، چون وحدت کلمه و به تعبیر دیگر، همگرایی در کار بود، پیروزی حاصل شد:

این قدرت به این بزرگی را شما ملت، شما ملتِ سر و پابرنه‌ای که همه چیزتان را خوردند، قیام کردید [و] چون وحدت کلمه در کار بود، با مشتتاتانک‌ها را خُرد کردید. (امام خمینی رحمته الله علیه، ج ۶: ۴۵)

امام خمینی رحمته الله علیه با انقلابی که در ایران انجام دادند، علاوه بر جابه‌جایی قدرت، قدرت جدیدی نیز پدید آوردند که متکی به خدا و مردم بود و نه قدرت نظامی و قدرت بیگانگان و این دلیل اصلی تهاجم ابرقدرت‌های مستکبر به ایران اسلامی به شمار می‌رود. امام خمینی رحمته الله علیه با صراحت و شجاعت، نسخه‌ای را که در ایران عملی کردند، برای کشورهای دیگر جهان اسلام هم تجویز می‌کنند و از آنها می‌خواهند از اطاعت خارج شوند و حکومت اسلامی تشکیل بدهند تا بتوانند از همگرایی جهان اسلام مراقبت و محافظت کنند.

۳-۴. از دیدگاه آموزه‌های عقلایی

در این جا پرسشی به ذهن می‌رسد که همگرایی از دیدگاه عقلا چه ضرورتی دارد. برای پاسخ به این پرسش لازم است ابتدا به چگونگی راه یافتن شکاف و واگرایی مسلمانان بپردازیم. امام خمینی رحمته الله علیه از دو دیدگاه پاسخی تحلیلی و مبتنی بر واقعیت‌های تاریخ داده‌اند. زاویه‌ی نخست تحلیل ایشان، به پیش از فروپاشی امپراتوری عثمانی برمی‌گردد؛ اگر به حدود صد سال پیش برگردیم، حکومت بزرگ عثمانی را می‌بینیم که اگر چه کاملاً اسلامی هم نبود، ولی به هر حال قدرت اول جهان به شمار می‌رفت و «مسلمین آنها بودند که مجد

آنها دنیا را گرفته بود؛ تمدن آنها، فوق تمدن‌ها بود؛ معنویات آنها، بالاترین معنویات بود؛ رجال آنها، برجسته‌ترین رجال بود؛ توسعه‌ی مملکتشان از همه‌ی ممالک بیشتر بود؛ سیطره‌ی حکومتشان بر دنیا غالب شده بود. (امام خمینی ره، ج ۱: ۳۷۴) استعمارگران و به ویژه انگلیسی‌ها دیدند که با حضور این حکومت بزرگ و مقتدر نمی‌توانند به ثروت کشورهای اسلامی دست پیدا کنند؛ به همین دلیل، بهترین چاره را در این دیدند که بین ممالک اسلامی تفرقه بیندازند تا به این ترتیب، شعار معروفشان یعنی «تفرقه بینداز و حکومت کن» تحقق یابد.

دیدند که با این سیطره، با این وحدت دول اسلامی، نمی‌شود تحمیل کرد چیزهایی را که می‌خواهند؛ نمی‌شود ذخایر اینها را، طلای سیاه اینها را، طلای زرد اینها را، نمی‌شود اینها را قبضه کرد. درصدد چاره برآمدند؛ چاره این بود که بین ممالک اسلامی تفرقه بیندازند. (همان جا)

براساس این تحلیل، ایجاد شکاف بین مسلمانان به اشکال مختلف، ترفند و توطئه و با اهداف سیاسی و اقتصادی بوده است؛^(۱) بنابراین، اگر مسلمانان بخواهند به توسعه، رفاه و قدرت گذشته‌ی خویش دست یابند، لازم است دست از اختلاف بردارند و بر اشتراکات فراوانی تأکید کنند که میانشان وجود دارد.

زاویه‌ی دوم تحلیل تاریخی امام خمینی ره، به پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی مربوط می‌شود؛ پس از فروپاشی و تجزیه‌ی حکومت عثمانی، غربی‌ها بر هر یک از کشورهای اسلامی، کسی را گماشتند و کوشیدند حکومت‌های دست‌نشانده، دشمن یکدیگر باشند، زیرا به خوبی می‌دانستند اگر مسلمانان با هم همدل شوند، اجازه نمی‌دهند دیگران ثروت آنها را چپاول کنند.

وقتی در جنگ اول جهانی غلبه کردند، حکومت عثمانی^(۲) را تکه تکه کردند و هر کس را بر جایی گماردند و کوشیدند این حکومت‌ها با هم دشمن شوند، زیرا

۱. divide and rule.

۲. انحطاط امپراتوری عثمانی از اوایل قرن ۱۹م آغاز شد. در جنگ اتحاد بالکان، که به عهدنامه‌ی لندن (۱۹۱۳م) انجامید، این دولت تقریباً همه‌ی مستملکات اروپایی خود و دریای اژه را از دست داد. در جریان جنگ جهانی اول و با انعقاد قرارداد لوزان (۱۹۳۲م)، سرزمین‌های غربی شامل عراق، سوریه، عربستان، اردن و فلسطین از تصرف آن

می‌دانستند که مسلمین با این خزان و این جمعیت اگر متحد شوند، برای امریکا و

برای غرب حطی نیست. (امام خمینی رحمته الله علیه، ج ۷: ۱۸۶)

بنابراین، شکاف و واگرایی، دلیل شکست مسلمانان در آغاز و علت استمرار شکست آنان می‌گردد که سبب شده است منافع مسلمانان نصیب دشمنان اسلام شود. پس لازم است جهان اسلام برای کسب و جلب منافع مادی و معنوی، در صراط مستقیم همگرایی حرکت کند. براساس این، به تعبیر امام خمینی رحمته الله علیه، «امروز ما مکلف هستیم که در هر لباس و هر شغلی هستیم، از اختلاف کلمه احتراز و به وحدت اسلامی، که پیوسته مورد سفارش کتاب و سنت است، گرایش نموده، کلمه‌ی حق را علّیا و کلمه‌ی باطل را سفلا قرار دهیم»؛ (امام خمینی رحمته الله علیه، ج ۴: ۳۱۱) بنابراین، برافراشتن پرچم حق در جهان، وظیفه‌ی مسلمانان و بدیهی است که این مهم، با اخوت اسلامی و همگرایی جهان اسلام میسر است، نه با تفرقه و تنازع؛ بنابراین، زمانی که مسلمانان و سران کشورهای اسلامی به جای مبارزه با ظالم، یاور ظالم و به تعبیر دقیق‌تر، کارگزار ظالم باشند، نمی‌توان انتظار داشت که در جهان اسلام همگرایی ایجاد یا تقویت شود؛ از این رو، باید ملت‌ها و نخبگان، با به کار بستن نظریه‌ی مقاومت، با شجاعت، شهامت و آگاهی، وارد میدان مبارزه شوند و از خطر هراسی به دل راه ندهند.

۵. راهکار ایجاد همگرایی

در قرائت امام خمینی رحمته الله علیه، اسلام، دین جامع است که دست کم سه لایه‌ی به هم مرتبط دارد و همه‌ی مسلمانان باید اسلام را در این سه لایه اجرا کنند: لایه‌ی نخست، لایه‌ی اعتقادی و مبتنی بر ایمان به توحید و نفی طاغوت است؛ لایه‌ی دوم، اخلاق و مبتنی بر محبت عدل و عدالت و نفرت از ظلم و ظالم است؛ لایه‌ی سوم، اعمال اسلامی و مبتنی بر نظام فقهی اسلام است، یعنی عمل به ظواهر اسلام (امام خمینی رحمته الله علیه، ج ۱۴: ۲۴۴) که به نظر می‌رسد امر به معروف و نهی از منکر و جهاد، از بارزترین نمونه‌های عمل به ظواهر اسلام است. با

خارج شد و تحت قیمومت دول اروپایی درآمد. پس از آن، نواحی ترک‌نشین مستقل و به ترکیه‌ی کنونی محدود گشت.

این تبیین، از سویی، امام خمینی علیه السلام مظاهر حسی و مادی عبادت را به کلی کنار نمی‌گذارند و عبادت را فقط حالت روحانی و معنوی در نظر نمی‌گیرند و از سوی دیگر، عبادت را تنها عمل حسی خارجی و به دور از محتوا و مضمون روحی نیز معرفی نمی‌کنند تا به تعبیر «آیت‌الله شهید سیدمحمدباقر حکیم»، فاصله‌اش را با بت پرستی حفظ کرده باشد و در نتیجه، دینی میانه شود که همه‌ی ابعاد انسان را مراعات کرده است. (حکیم، ۱۳۹۱: ۱۳)

براساس این، همگرایی و برادری می‌تواند در سه سطح اعتقادی، اخلاقی و رفتاری تبیین شود، ولی تبیین همگرایی در سطح عمل و اجرا مهم است. اعلام روز جهانی قدس و حمایت جهانی از ملت مظلوم فلسطین، تعیین هفته‌ی وحدت، تشکیل ارتش صدمیلیونی مشترک در جهان اسلام، معرفی امریکا و رژیم صهیونیستی اسرائیل به عنوان دشمن مشترک همه‌ی مسلمانان، اعلام برائت در حج، پیروی از مهدی موعود علیه السلام، اقتدا به سید و سالار شهیدان علیه السلام و...، از راهکارهای امام خمینی علیه السلام برای ایجاد همگرایی هر چه بیشتر در جهان اسلام است.

آنچه دربار‌ی راهکارهای ایجاد همگرایی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام گفتیم، در نپذیرفتن ظلم و مبارزه‌ی منسجم و برادروار با ظالم مشترک است. این نکته، منطبق بر منطق قرآن است که می‌فرماید: «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»؛ نباید ظلم کنید و نباید بگذارید به شما ظلم شود.»، (بقره: ۲۷۹) ضمن آن که آیات دیگری از قرآن کریم و نیز آموزه‌های روایی که پیش از این از آنها بحث کردیم، از این منطق حمایت می‌کنند. در ادامه، به تبیین برخی از مواردی می‌پردازیم که اشاره شد:

۱-۵. اعلام برائت در حج ابراهیمی علیه السلام

در اعلام برائت، سازمان‌دهی جهان اسلام برای مقابله با دشمنان ظالم و مستکبر، محور همگرایی است. شاید بتوان گفت کلیدی‌ترین و مهم‌ترین نقطه‌ی راهبردی حج و «مرحله‌ی اول مبارزه»، (امام خمینی علیه السلام، ج ۲۰: ۳۱۶) که امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در جهان اسلام در حج پی‌گیری کرده‌اند، معرفی دشمن مشترک همه‌ی مسلمانان و دعوت از برادران مسلمان به منظور نفی و ابراز تنفر و نفرت از اوست و

این منطق اسلام است که «لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ» (بقره: ۲۷۹) و اعلام برائت، آغاز برائت از ظالمان بین‌المللی است.

امام خمینی علیه السلام اعلام برائت از مشرکان و ملحدان استکبار جهانی و در رأس آنان امریکای جنایتکار را با توحید پیوند می‌زند و آن را از ارکان توحیدی و واجبات سیاسی حج می‌داند و تصریح می‌فرماید که باید «در تجدید میثاق اَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ (اعراف: ۱۷۲) بت الهه‌ها و اربابان متفرقون شکسته شود». (امام خمینی علیه السلام، ج ۲۰: ۳۱۴)

ایشان، که نگاهی جامع و صد در صد سیاسی به اسلام و حج دارند، حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را، که کعبه یادگار آن بزرگواران است، مبارزان سیاسی و الگوهای می‌داند که باید از آنان در مبارزه الهام گرفت. ایشان مبارزات انبیا و بنیان کعبه را محدود و محصور در مبارزه و در هم شکستن بت‌های سنگی و چوبی نمی‌دانند، بلکه آنان را چنانکه قرآن کریم معرفی می‌کند، در صف اول مبارزه با فرعونیان، نمرودیان و ابوجهل‌ها معرفی می‌کنند که شاه‌بیت غزل سراسر مبارزه‌شان را از قول ابراهیم خلیل علیه السلام با کلام ابدی «أَنْتَ بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ» (انعام: ۱۹) ابلاغ می‌نمایند. (امام خمینی علیه السلام، ج ۲۰: ۳۱۷) سپس امام علیه السلام مسلمانان را، که آهنگ حج نموده‌اند، به پیروی از انبیای الهی فرامی‌خوانند، کاخ سفید را «بت‌خانه‌هایی چون کاخ سیاه» می‌نامند که بر ممالک اسلامی و خون و ناموس مسلمانان و جهان سوم مسلط است و باید در هم شکسته و نابود شود. (همان جا)

براساس این، امام خمینی علیه السلام راه علاج انزوا و انحراف سیاسی حج را عمل به اصل اعلان برائت از مشرکان برمی‌شمارند و با ظرافت تمام، زوار ایرانی را کسانی می‌خوانند که توانسته‌اند نظام ظالم شاهنشاهی را ساقط کنند و دست بیگانگان و به ویژه امریکا را از کشورشان کوتاه سازند و حقیقت برائت از مشرکان را به نمایش گذاشته و بت‌های شرق و غرب را در هم شکسته‌اند:

بیت‌الله‌الحرام و کعبه‌ی معظمه زائران عزیزی را در آغوش می‌کشد که حج را از انزوای سیاسی و انحراف اساسی، به سوی حج ابراهیمی علیه السلام - محمدی صلی الله علیه و آله و سلم سوق داده، حیات آن را تجدید می‌نمایند و بت‌های شرق و غرب را در هم می‌شکنند و معنای قیام ناس و حقیقت برائت از مشرکان را عرضه می‌دارند. (امام خمینی علیه السلام،

ج ۱۹: ۳۳۴)



ذکر این نکته لازم است که باید حساب کافر، مشرک و مستضعفان را از مستکبران و ظالمان جدا کرد. امام خمینی علیه السلام مستکبران و ظالمان را نفی می‌کنند و چنانکه «آیت‌الله جوادی آملی» معتقدند، دیدگاه امام علیه السلام این است که اگر «کافر» از مرز کفرش نگذرد، می‌توان با او زندگی مسالمت‌آمیز داشت، چون کافر به خود ستم می‌کند، ولی «مستکبر» را هرگز نمی‌توان تحمل کرد، نه به این دلیل که کافر است؛ به این دلیل که به تعبیر قرآن کریم، مستکبر است؛ قرآن می‌فرماید با سران کفر بجنگید؛ «و قاتلوا ائمه الکفر»، به این دلیل که: «إنهم لا ایمان [نه لا ایمان] لهم» (توبه: ۱۲) یعنی قدرت‌های استکباری تابع احترام قطع‌نامه‌ها، قراردادها، سوگندنامه‌ها و پیمان‌ها و اصولاً پایبند هیچ تعهدی نیستند؛ (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۲۷۵) بنابراین، با سران کفر مبارزه کنید، چون مستکبرند و به عهد و پیمان وفادار نیستند، نه این که چون کافرند، با آنها بجنگید. معنای برائت که «اکنون مهم‌ترین خبر در جهان است.» (همان، ۲۷۴) همین مطلب است. مسئله‌ی تولی و تبری یا برائت، به قدری در تفکر امام علیه السلام جایگاه مهمی دارد که آیت‌الله جوادی آملی به درستی معتقد است که امام خمینی علیه السلام حج منهای برائت را «حج جاهلی» و حج همراه برائت از شرک و مشرکین را «حج ابراهیمی علیه السلام» معرفی می‌کنند (همان، ۲۷۱) تا بدین وسیله، همگرایی فراگیر بین جهان اسلام پدید آید. (لکزایی: ۱۳۹۴)

۲-۵. الهام گرفتن از عاشورا

حسین علیه السلام، فرزند فاطمه علیها السلام، بزرگ‌ترین زن جهان، نوه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و به همراه برادرش، سرور جوانان بهشت هستند. شخصیتی محبوب، آقای شهیدان، آزاده و با عظمت که می‌تواند یکی از محورهای همگرایی در جهان اسلام باشند. امام خمینی علیه السلام با تفسیر سیاسی قیام الهی حضرت اباعبدالله‌الحسین علیه السلام، خطاب به مسلمانان جهان تصریح می‌کنند:

مسلمانان باید... همچون سید و سالار شهیدان، حضرت ابی‌عبدالله‌الحسین علیه السلام، از احرام حج، به احرام حرب و از طواف کعبه و حرم، به طواف صاحب بیت و... رو آورند و به امتی شکست‌ناپذیر و بنیانی مرصوص مبدل گردند که نه ابرقدرت شرق یارای مقابله آنان را داشته باشد، نه غرب، که مسلماً روح و پیام حج چیز



دیگری غیر از این نخواهد بود که مسلمانان هم دستورالعمل جهاد با نفس را بگیرند و هم برنامه‌ی مبارزه با کفر و شرک را. (امام خمینی رحمته الله علیه، ج ۲۰: ۳۱۶-۳۱۷)

این عبارات مهم امام خمینی رحمته الله علیه به این معناست که حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام با الگو گرفتن از انبیای الهی علیهم السلام، برای درهم شکستن بت‌های جاندار قیام کردند؛ بدین ترتیب، امام خمینی رحمته الله علیه با زبان فطرت، مسلمانان را به جهاد اصغر در عرصه‌ی بین‌المللی و جهاد اکبر در عرصه‌ی خودسازی فرامی‌خواند و حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام الگویی کامل و راستین برمی‌شمرند که برای احیای حج - پس از انجام عمره‌ی مفرده - از کعبه راهی کربلا شدند و حرب را به جای حرم برگزیدند و خویشان و نزدیکانشان را ابراهیم‌وار به مسلخ بردند و قربانی نمودند. امام حسین علیه السلام به جای نوشیدن و وضو گرفتن با آب زلال زمزم، با خون سرخ خویش وضو گرفتند و احرام شهادت بستند و در قربانگاه، نماز عشق اقامه کردند. سیدالشهدا علیه السلام در میدان مبارزه با بت‌های جاندار، به رجم و رمی آنان پرداختند. امام حسین علیه السلام در سه عرصه‌ی جنگ کبیر و اکبر و اصغر، به میدان جنگ با مستکبران و زورگویان آن روزگار گام گذاشتند و برای همیشه به مسلمانان درس آزادی و آزادگی دادند.

از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه، مسلمانان با اقتدا به سیره‌ی سیاسی حضرت سیدالشهدا علیه السلام و غلبه بر شک و شرک و نهراسیدن از مرگ، می‌توانند به قدرتی شکست‌ناپذیر و بلکه قدرت اول دنیا بدل شوند؛ به عبارت دیگر، همگرایی با حضور انسان‌های ترسویی معناست؛ بنابراین، بر مسلمانان جهان است که با اقتدا به حضرت سیدالشهدا علیه السلام، که مورد احترام، محبت و پذیرش همه‌ی مذاهب اسلامی هستند، با هدف اصلاح و امر به معروف و نهی از منکر قیام و بر ترس، شک و شرک غلبه کنند و با اقتدا به سالار شهیدان، حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام، حماسه‌ای سیاسی خلق نمایند. با این تبیین، روشن است که تمسک به سبک و سیره‌ی نواده‌ی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم، سید جوانان اهل بهشت، حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام، یکی از ظرفیت‌های مهم ایجاد همگرایی در جهان اسلام است. (لک‌زایی: ۱۳۹۴)

۳-۵. تاسی به مهدی منتظر علیه السلام

امام خمینی علیه السلام به مسئله‌ی مهدویت نگاهی همگرایانه دارند. ایشان براساس راهبرد وحدت تصریح می‌نمایند: مهدی منتظر علیه السلام، به اتفاق همه‌ی مسلمین، از کعبه ندا سر می‌دهد و بشریت را به توحید فرامی‌خواند. (امام خمینی علیه السلام، ج ۱۸: ۷۷-۷۸) آن‌گاه از این نکته چنین نتیجه می‌گیرند که «ما هم باید از آنها تبعیت کنیم و ندای توحید کلمه و کلمه‌ی توحید را از آن مکان مقدس سر دهیم و با فریادها و دعوت‌ها و تظلم‌ها و افشاگری‌ها و اجتماعات زنده و کوبنده در مجمع مسلمین در مکه‌ی مکرمه، بت‌ها را بشکنیم و شیاطین را، که در رأس آنها شیطان بزرگ است، در عقبات رمی کنیم و طرد نماییم تا حج خلیل‌الله و حبیب‌الله و ولی‌الله، مهدی عزیز علیه السلام، را به جا آورده باشیم». (همان جا)

در این فراز، چنانکه دیده شد، امام خمینی علیه السلام جهان اسلام و بلکه همه‌ی مسلمانان را به پیروی از مهدی منتظر علیه السلام فرامی‌خوانند و اصلاً اسمی از این که حضرت علیه السلام به دنیا آمده‌اند یا به دنیا می‌آیند، نمی‌آورند و با تکیه بر مسلمات همه‌ی مذاهب اسلامی، همدلانه بیان می‌کنند که باید با پیروی از «ولی‌الله»، یعنی مهدی عزیز علیه السلام، که بزرگ‌ترین دادگستر هستند، به نبرد با ابرقدرت‌های ظالم برخیزیم.

به نظر می‌رسد با این نگاه به مسئله‌ی مهدویت، بتوان گفت اولاً اعتقاد مسلمانان به مهدویت، یکی از پایه‌های اصلی و بنیادین نظریه‌ی مردم‌سالاری دینی است؛ ثانیاً پیوند سیاست و دیانت و سیاسی بودن اسلام را برجسته می‌سازد و ثالثاً در نقطه‌ی مقابل سیاست انتظار، شیطان بزرگ، یعنی امریکای جهان‌خوار، قرار دارد. (لک‌زایی: ۱۳۹۴) در این نگاه، تاسی به حضرت مهدی علیه السلام و در نتیجه‌ی آن، رویکرد معنوی به سیاست و مبارزه با دشمن مشترک، سبب همگرایی هر چه بیشتر جهان اسلام می‌شود.

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد از مجموع آنچه گفتیم، بتوانیم نتیجه بگیریم که مهم‌ترین راهکار امام خمینی علیه السلام برای همگرایی جهان اسلام، دیدگاهی است که می‌توان آن را دیدگاه یا «نظریه‌ی مقاومت» نامید. این نظریه یا دیدگاه، در واقع، مبتنی بر سیره‌ی انبیای الهی علیهم‌السلام و اهل‌بیت علیهم‌السلام و آموزه‌های قرآن کریم است که مسلمانان جهان را ذیل هدف واحد جمع

می‌کند و آن هدف واحد، «قیام‌لله» است که در «نپذیرفتن ولایت یهود و نصارا»، «دوری از نزاع»، «اخوت ایمانی»، «اعتصام به حبل‌الله»، «کنار گذاشتن ترس و واهمه»، «همبستگی برادروار» و «مبارزه با ظالم و ظالم» متجلی شده است. اعلام برائت از مشرکان در اجتماعی ایمانی حج ابراهیمی عليه السلام، الهام گرفتن از عاشورا، پیروی از منجی موعود، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، بخش‌هایی دیگر از کارایی دیدگاه امام خمینی رحمه الله را نشان می‌دهد. در این مبارزه، انسان مسلمان پیروز می‌شود یا به شهادت می‌رسد که هر دو نیک و هر دو پیروزی و مصداق احدی‌الحسنین است و این دقیقاً همان منطقی است که امام خمینی رحمه الله براساس آن توانستند شاه ظالم ایران را، که ظالمان دیگر شرق و غرب هم به او کمک می‌کردند، از ایران اسلامی بیرون کنند، بدون آن که از نیروی نظامی و قدرت سلاح بهره‌گیرند و از قدرت‌های خارجی کمک بخواهند.



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آذین، احمد؛ قائدی، محمدرضا؛ گلشنی، علیرضا، (بهار ۱۳۹۳)، وحدت جهان اسلام از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، فصل‌نامه‌ی مطالعات سیاسی، سال ششم، ش ۲۳.
۳. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)؛ www.khamenei.ir.
۴. پورفرد، سعید (پاییز ۱۳۹۲)، وحدت و همبستگی سیاسی از منظر قرآن، فصل‌نامه‌ی سیاست متعالیه، سال اول، ش ۲.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱)، بنیان مرصوص، به کوشش محمدمین شاهجویی، قم، نشر اسراء.
۶. حقی، محمد (۱۳۹۶)، انقلاب اسلامی و فرصت‌های همگرایی جهان اسلام، مجموعه مقالات برگزیده بیستمین جشنواره‌ی شیخ طوسی، ج ۲، قم، پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی.
۷. حکیم، سیدمحمد باقر (۱۳۹۱)، نقش اهل بیت علیهم السلام در بنیان‌گذاری جماعت صالحان، ترجمه: کاظم حاتمی طبری، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام.
۸. حیدری‌فر، مجید (۱۳۸۸)، مهندسی فهم و تفسیر، قم: بوستان کتاب.
۹. حیدری، محمدمحسن (۱۳۹۶)، دیدگاه امام خمینی علیه السلام در تقیه‌ی مداراتی و تأثیر آن در همگرایی مسلمین، مجموعه مقالات بیستمین جشنواره بین‌المللی شیخ طوسی، ج ۱، قم، پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی.
۱۰. خمینی، سیداحمد، (پاییز ۱۳۷۳)، وحدت از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، فصل‌نامه‌ی حضور، ش ۸.
۱۱. خمینی علیه السلام، سیدروح‌الله (بی‌تا)، تقریر آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی، مناهج الوصول إلى علم الأصول، ج ۱، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۲. همو (بی‌تا)، التقیه در الرسائل العشره، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۳. همو (۱۳۸۹)، شرح چهل حدیث، ج ۵۱، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۴. همو (۱۳۸۵)، صحیفه امام علیه السلام، تهران: ج ۴، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام (بیشتر جلدها).
۱۵. همو (۱۳۹۰)، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ج ۲۴.
۱۶. رجاء، علی اصغر (بهمن ۱۳۹۰)، معیارهای تعریف جهان اسلام، ماه‌نامه‌ی معرفت، ش ۱۷۰.
۱۷. سبزواری، حاج ملاهادی (۱۳۹۶)، شرح المنظومه، تصحیح و تعلیق از آیت‌الله حسن‌زاده آملی و تحقیق و تقدیم از مسعود طالبی، تهران، نشر ناب.
۱۸. شاه‌آبادی، محمدعلی (۱۳۸۶)، شذرات المعارف، توضیح و تقریر: آیت‌الله نورالله شاه‌آبادی، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی.
۱۹. فولادی، محمد (خرداد ۱۳۸۷)، استراتژی وحدت جهان اسلام در اندیشه‌ی امام خمینی علیه السلام، ماه‌نامه‌ی معرفت، ش ۱۲۶.
۲۰. کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۴۲۹ ق- ۱۳۸۷ ش)، الکافی، قم، مؤسسه دارالحدیث العلمیه الثقافیه.
۲۱. گریفیثس، مارتین (۱۳۸۸)، دانش‌نامه‌ی روابط بین‌الملل و سیاست جهان، ترجمه: علیرضا و طیب، تهران، نشر نی.
۲۲. لک‌زایی، رضا، (۱۳۹۴)، تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر حج ابراهیمی علیه السلام با تأکید بر دیدگاه امام خمینی علیه السلام، در مجموعه مقالات حج و انقلاب اسلامی، به کوشش: مسعود معینی‌پور، تهران، مشعر.
۲۳. لک‌زایی، رضا، (۱۳۹۴)، مؤلفه‌های بنیادین اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی علیه السلام، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۲۴. ولایتی، علی‌اکبر؛ سعیدمحمدی، رضا، (بهار و تابستان ۱۳۸۹)، تحلیل تجارب همگرایی در جهان اسلام، دوفصل‌نامه‌ی دانش سیاسی، ش ۱۱.